

پسا اسپوتنیک و پسا جیجیانگ

تقابل آموزش و فناوری در ۲ عصر ژئوپلیتیک



محمد علی نادی
معاون علوم تربیتی و مهارتی دانشگاه آزاد اسلامی

فناوری به میدان نبرد جدیدی تبدیل شده است که برتری در آن تعیین کننده توازن قدرت در قرن ۲۱ خواهد بود. در حالی که دوران پسا اسپوتنیک منجر به تسلط غرب بر فناوری‌های دفاعی فضایی و سیاست‌گذاری‌های علمی شد، دوران جیجیانگ و بعد از آن نشان‌دهنده گذار قدرت به سمت چین در عرصه فناوری‌های دیجیتال و هوش مصنوعی است. پسا اسپوتنیک آموزش را به ابزاری ایدئولوژیک تبدیل کرده، اما زیرساخت‌های علمی پایدار ایجاد کرد. جیجیانگ با ترکیب سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی به الگوی جدیدی از نوآوری دست یافت، اما چالش‌هایی مانند کپی‌کاری و سرکوب آزادی آکادمیک را مطرح کرد.

پسا اسپوتنیک (۱۹۵۷به بعد) نقطه‌عطفی در رقابت‌های ایدئولوژیک غرب و شرق است که منجر به تحولات بنیادین در نظام آموزشی و فناوری‌های دفاعی فضایی و سیاست‌گذاری‌های علمی جهان شد. در اکتبر ۱۹۵۷ پرتاب اسپوتنیک-۱ نخستین ماهواره جهان توسط اتحاد جماهیر شوروی نه تنها آغازگر رقابت فضایی میان دو ابرقدرت دوران جنگ سرد بود، بلکه نقطه‌عطفی در تاریخ علم و فناوری محسوب شد. این رویداد که به «شوک اسپوتنیک» معروف شد، جهان را وارد عصری کرد که فضا به عرصه‌ای برای نمایش قدرت، پیشرفت تکنولوژیک و رقابت ژئوپلیتیک تبدیل شد. پرتاب اسپوتنیک-۱ ضربه‌ای به اعتماد به نفس آمریکا وارد کرد. گزارش گیفورد سیلور (۱۹۵۹) نشان داد دانش‌آموزان آمریکایی در ریاضیات و علوم از شوروی عقب هستند. اکنون پس از گذشت بیش از شش دهه جهان شاهد ظهور بازیگران جدیدی در صحنه فضاست که از جمله آن‌ها می‌توان به چین و برنامه‌های بلندپروازانه‌اش مانند ایستگاه فضایی تیانگونگ، کاوشگرهای قمری چانگای و مریخ‌نورد ژوورونگ اشاره کرد. اسپوتنیک یک ماهواره ساده با وزنی حدود ۸۴ کیلوگرم تنها یک فرستنده رادیویی داشت. اما از نظر سیاسی و فناوری انقلابی ایجاد کرد. نظام آموزشی شوروی با تمرکز بر آموزش فنی و حرفه‌ای الگویی برای سایر کشورها شد. این رویداد مستقیماً به تأسیس ناسا در ۱۹۵۸، تقویت بنیاد ملی علوم (NSF) سرمایه‌گذاری کلان در آموزش STEM (علوم، فناوری، مهندسی ریاضیات)، تغییر سیستم آموزشی به سمت تربیت دانشمندان و مهندسان برای رقابت با شوروی، ظهور برنامه‌های درسی مانند PSSC Physics (کمپته مطالعاتی فیزیک مدرسه) با تأکید بر تفکر انتقادی و آغاز «مسابقه فضایی» میان آمریکا و شوروی انجامید. در هر دو مورد نظام‌های آموزشی بسرای تربیت نیروی کار ماهر باطراحی شدند. اسپوتنیک به طور مستقیم به توسعه ماهواره‌های ارتباطی، سیستم‌های ناوبری و فناوری‌های موشکی پیشرفته منجر شد. آمریکا را به افزایش بودجه علمی آموزشی وادار (مثل قانون آموزش دفاع ملی ۱۹۵۸) و رقابت فضایی را به نماد جنگ سرد تبدیل کرد و آمریکا را به سرمایه‌گذاری گسترده در ناسا و برنامه اپولو (با تمرکز بر نوآوری نظامی فضایی به عنوان ابزار ژئوپلیتیک) سوق داد و در نهایت به فرود انسان بر ماه منجر شد. رقابت فضایی دوران جنگ سرد، اگرچه ریشه در تنش‌های سیاسی داشت اما به پیشرفت‌های چشمگیری در حوزه‌های ارتباطات، ناوبری، علوم مواد و اکتشافات کیهانی در سطح دنیا انجامید. پایه‌گذاری اقتصاد دانش‌بنیان در غرب دانشگاه‌هایی مانند استنفورد به قطب فناوری سیلیکون ولی تبدیل شدند. این رقابت عمده‌تا دوقطبی (آمریکا VS شوروی) بود و همکاری‌های محدودی مانند «پیمان فضای ماورای جو» (۱۹۶۷) وجود داشت. این دوره همچنین نشان داد که همکاری‌های بین‌المللی مانند پروژه اپولو سایوز (۱۹۷۵) می‌توانند فراتر از رقابت‌های ایدئولوژیک عمل کنند. پژوهش دانشگاه هاروارد پیش‌بینی می‌کند تا ۲۰۳۰ بیش از ۱۰۰ هزار ماهواره در مدار زمین باشد که مدیریت آن‌ها نیازمند قوانین بین‌المللی است. امروز بازیگرانی مانند چین، هند اتحادیه اروپا و حتی شرکت‌های خصوصی مانند اسپیس ایکس و بلو اوربیتچین به میدان آمده‌اند. پروژه‌های بین‌المللی مانند ایستگاه فضایی بین‌المللی (ISS) نشان‌دهنده همکاری‌ها هستند اما از سوی دیگر برنامه‌های ملی مانندد آرتمیس (آمریکا) با توافقاتمه‌های اتحادیه ماه چین رقابت برای تسلط بر منابع فضایی را تشدید کرده‌اند. سفرهای فضایی تجاری، راکت‌های قابل استفاده مجدد و تلاش برای سکونت در مریخ، افق‌های تازه‌ای را گشوده‌اند. اگر دوران پسا اسپوتنیک تحت سلطه دو ابرقدرت و نمایش برتری فناوری و ایدئولوژی در دوران جنگ سرد بود ولی هر دو ابرقدرت منتظر وقایع پسا اسپوتنیک بودند و گهگاه با معرفی جلوه‌هایی از علم و فناوری و اختراعات و ابداعات، خود را پیش‌نشان در عرصه‌های نو ظهور معرفی می‌کردند. بسیاری از دولت‌ها با الگو برداری از این رقابت، برنامه‌های فضایی و آموزشی خود را تقویت

کردند (مانند فرانسه و چین) اما هر دو ابرقدرت تصویر رهبری جهانی در عرصه علم و فناوری را از خود دور نمی‌کردند تا اینکه چین پس از ریاست‌جمهوری جیانگ زمین (۲۰۰۲–۱۹۹۳) تحت رهبری هو جنتائو و ششی جین‌پینگ به سمت تبدیل شدن به یک ابرقدرت فناوری سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در فناوری و آموزش در راستای نوسازی سوسیالیستی انجام داد؛ ظهور چین به عنوان ابرقدرت فناوری با محوریت استان جیجیانگ باز تعریف‌کننده رابطه بین آموزش مهندسی نوآوری خصوصی و قدرت ملی بود. الگوی چینی آموزش و نوآوری را به جهان معرفی کرد. برنامه‌های پروژه ۲۱۱ و پروژه ۹۸۵ برای تقویت دانشگاه‌های برتر چین افزایش تعداد دانشجویان از ۵ میلیون (۱۹۹۷) به ۴۰ میلیون (۲۰۲۰)، جذب استعدادهای جهانی و برنامه‌های بورسیه برای دانشجویان چینی در خارج و جذب محققان بین‌المللی و همچنین تأکید بر آموزش زبان انگلیسی و رشته‌های بین رشته‌ای تحول در آموزش عالی چین را رقم زد. جیجیانگ به عنوان آزمایشگاه آموزش مهندسی معرفی شد و استان جیجیانگ میزبان ۷۶ دانشگاه و مؤسسه فناوری شد. دانشگاه جیجیانگ رتبه ۴۵ جهانی در مهندسی (QS۲۰۲۳) را کسب کرد و چین با افزایش تعداد دانشگاه‌های تراز جهانی (مانند Tsinghua و Peking) و جذب دانشجویان بین‌المللی به یکی از قطب‌های آموزش جهانی تبدیل شد. طرح‌هایی مانند «ساخت در چین ۲۰۲۵» و توسعه هوش مصنوعی، چین را به رقیبی جدی در فناوری‌های پیشرفته تبدیل کرد. ابتکاراتی مانند پروژه کمر بند و جساده دیجیتال (BRI) همراه با صادرات فناوری‌های دیجیتال، نفوذ چین را در اقتصاد جهانی افزایش داد. چنین از فناوری به عنوان ابزار نفوذ نرم و تغییر توازن قدرت در برابر آمریکا استفاده کرد. استراتژی‌هایی همچون «مهندسين نخبه» (مهندسی هوش مصنوعی و رباتیک با همکاری شرکت‌هایی مانند علی بابا)، سیستم آموزش دوگانه (Dual Education System) که دانشجویان ۵۰ درصد زمان را در شرکت‌ها می‌گذرانند (وزارت آموزش چین، ۲۰۲۰)، تمرکز بر خودکفایی در نیمه‌های‌ها، هوش مصنوعی و راه‌اندازی ایستگاه فضایی تیانگونگ (۲۰۲۲) به عنوان رقیب ایستگاه فضایی بین‌المللی، توسعه فناوری‌های راکت‌های سنگین (مثل لانگ مارچ ۵)، سامانه‌های بازگشت از ماه (چانگای-۵، ۲۰۲۰)، ثبت ۴۰ درصد از کل اختراعات جهانی در حوزه هوش مصنوعی در سال ۲۰۲۲ و همکاری دانشگاه‌های چین با شرکت‌های خصوصی مانند گالکسی اسپیس (GalaxySpace) برای توسعه ماهواره‌های لیزری و برگزاری دوره‌های آموزشی رایگان در پلتفرم‌های دیجیتال توسط شرکت‌هایی مانند هواوی، چین را از یک مقلد و پیرو محض تا رهبری جهانی ارتقا داده است. پیشرفت‌های اخیر چین در هوش مصنوعی، مانند مدل دیپسیک به عنوان لحظه اسپوتنیک جدید برای آمریکا توصیف شده است که بر ۳ مؤلفه قدرت که پیامد توسعه علم و فناوری است، تمرکز دارد:

اگر «لحظه اسپوتنیک» نماد رقابت ابرقدرت‌ها در جنگ سرد بود، «لحظه جیجیانگ» نشان‌دهنده گذار به عصر جدیدی است که در آن فناوری‌های دیجیتال و آموزش‌های پیشرفته تعیین‌کننده هژمونی جهانی هستند. پسا اسپوتنیک نشان‌دهنده واکنش دفاعی غرب به یک شوک خارجی بود، در حالی که پسا جیجیانگ نماد برنامه‌ریزی نظام‌مند چین برای هژمونی فناوری است. در هر دو مورد، آموزش و فناوری نه تنها ابزار پیشرفت اقتصادی بلکه سلاح‌هایی ژئوپلیتیک محسوب می‌شوند. برخلاف واکنش سریع آمریکا به اسپوتنیک، چین بر برنامه‌ریزی بلندمدت (مثلاً ۵۰ ساله) تکیه

کرد. دوره پسا اسپوتنیک نه‌تنها تحولاتی در آموزش و فناوری ایجاد کرد، بلکه الگویی برای پاسخ به بحران‌های علمی-امنیتی ارائه داد. امروزه با ظهور رقابایی مانند چین در حوزه هوش مصنوعی خود های این دوره مانند اهمیت سرمایه‌گذاری هدفمند و همکاری‌های بین‌رشته‌ای بیش از پیش حیاتی است. منابعی مانند کتاب «آن سوی اسپوتنیک» و تحلیل‌های معاصر نشان می‌دهند علم همواره در خدمت اهداف ژئوپلیتیک است اما موفقیت در گرو تعادل بین پیشرفت فناوری و عدالت آموزشی است که آمریکا در این زمینه واکنشی عمل می‌کند. چه واکنش به پرتاب اسپوتنیک و چه واکنش به دیپسیک و جریان پیشرفت غیر قابل پیش‌بینی و مهار چین؛ نشان‌دهنده سیاستگذاری علم و فناوری شکست‌خورده و خودبستگی افراطی آمریکا به تحولات علم و فناوری داخلی خویش و تمرکز بر نظام آموزشی است که در پاسخ به اسپوتنیک شکل گرفت که در دوران حاضر ناکارآمد است. در سال‌های اخیر بخش بزرگی از این ناکارآمدی با جذب نخبگان کشورهای دیگر پنهان می‌شد و تلاش می‌شد تا با معرفی دستاوردها و اکتشافات علمی دانشمندانی که بیشتر ثمره نظام آموزشی آمریکا نبودند خلأ عملکردی آن به چالش کشیده نشود. قانون اجرایی ۲۰۲۵ آمریکا نیز که با تبلیغ بر تعطیل کردن آموزش و پرورش آمریکا به شکل افراطی معرفی شد واکنشی مشابه «آن سوسی اسپوتنیک» است که در اینجا آن را پسا جیجیانگ می‌توان نام نهاد. درواقع پسا جیجیانگ همان پسا فرا اسپوتنیک است که صرفاً در آن رقیب تغییر کرده است.

اصطلاح «پسافرا اسپوتنیک» به دوره‌ای اشاره دارد که پس از تأثیرات اولیه رویدادهای مشابه شوک اسپوتنیک ۱۹۵۷ رخ می‌دهد. در قرن ۲۱، پیشرفت‌های فناوریان چین مانند توسعه هوش مصنوعی، تسلط بر 5G، و برنامه‌های فضایی به‌عنوان یک «شوکر اسپوتنیک جدید» برای غرب تلقی می‌شود. مهم‌ترین وقایع پیش‌رو در این دوره عبارتند از: **الف. رقابت در فناوری‌های حیاتی – سسلطه بر هوش مصنوعی و کوانتوم:** چین و آمریکا در حال رقابت برای دستیابی به برتری در محاسبات کوانتومی و هوش مصنوعی نظامی هستند. جنگ استانداردهای فناوری: رقابت بر سر تعیین استانداردهای جهانی برای فناوری‌هایی مانند ۶G، بلاک‌چین، و انرژی پاک. **ب. تحول در نظام‌های آموزشی-تمرکز بر آموزش STEM با رویکرد امنیتی:** غرب (به‌ویژه آمریکا) در حال بازتعریف آموزش علوم پایه با تأکید بر امنیت ملی و کاهش وابستگی به نیروی کار خارجی است. **پ. افزایش محدودیت‌های آموزشی علیه چین:** ممنوعیت همکاری دانشگاه‌های غربی با مؤسسات چینی در حوزه‌های حساس (مانند نانوفناوری و زیست‌مهندسی)

ج. جنگ سایبری و امنیت داده – تشدید در گیری‌های سایبری: نبرد پنهان برای دستیابی به داده‌های حساس و حمله به زیرساخت‌های حیاتی (مانند شبکه‌های انرژی و بانکی). تکنیک اینترنت جهانی: شکل‌گیری مک‌کینزی (۲۰۲۵)، کشورهایی که تحت کنترل چین با شبکه‌هایی مانند Baidu و WeChat و غرب با غول‌هایی مانند Google و Meta **د. رقابت در فضا-برنامه‌های ماه و مریخ:** رقابت برای ایجاد پایگاه‌های دائمی در ماه (طرح آرتمیس آمریکا) و مأموریت‌های مریخ (چین و امارات)

ذ. استخراج منابع فضایی: جنگ حقوقی بر سر مالکیت منابع معدنی در سیارک‌ها و ماه. این تحولات پایه‌های نظام آموزشی مدرن را شکل داد و نشان داد که سرمایه‌گذاری هدفمند در علم و فناوری کلید حفظ رهبری جهانی است. وقایع جیجیانگ و بعد از آن روسیه را به‌عنوان خالق اسپوتنیک و آمریکا را به‌عنوان خالق دستاوردهای پسا اسپوتنیک با چندین نقد مواجه کرد که اولاً نیازمند مهارت‌های نرم و خلاقیت فردی را به نفع استانداردسازی در آموزش نادیده بگیرند، ثانیاً نیاز به تلفیق علوم سخت با مهارت‌های خلاقانه و اجتماعی در عصر دیجیتال ضرورتی انکارناپذیر است و درنهایت پیشرفت علمی نیازمند حمایت دولتی و هماهنگی بین نهادهای آموزشی و اهداف ملی است. براساس گزارش مک‌کینزی (۲۰۲۵)، کشورهایی که به جای تقلید کورکورانه از غرب، مدل‌های بومی فناوری را توسعه می‌دهند (مثل چین و هند)، در دهه ۲۰۳۰ به قطب‌های نوآوری تبدیل خواهند شد. این احتمال وجود دارد که کنش پویای بعدی توسط هند، برزیل یا یکی از قطب‌های بومی نوظهور همچون اعضای بریکس رقم بخورد اما علائم و نشانه‌های آن را می‌توان براساس تحولات و نوآوری‌های آموزشی کشورها و فرایند نخبه‌یابی، نخبه‌پروری و نخبه‌بانی آن‌ها تخمین زد.

در واقع شاید آمریکا در واکنش به تحولات پسافرا اسپوتنیک سند فرمان اجرایی ۲۰۲۵ را مبنای تغییرات اساسی در نظام آموزشی خویش قرار داد و قصد دارد انحلال یا تضعیف نهادهای فدرال مانند وزارت

آموزش و پرورش و تقویت مدارس خصوصی و واگذاری آموزش به ایالت‌ها را به دلیل نتایج ضعیف دانش‌آموزان در خواندن و ریاضیات و ناکارآمدی دنبال و بودجه دانشگاه‌هایی که دوره‌های مرتبط با فمینیسم، نظریه نژادی یا سوسیالیسم را ارائه می‌کنند محدود کند. گرچه منتقدان غربی فرمان اجرایی ۲۰۲۵ آن را تهدید علیه دموکراسی می‌دانند و معتقدند این پروژه به تمرکز قدرت در دست رئیس‌جمهور و حذف نهادهای نظارتی منجر می‌شود. گروه‌های حقوق بشری هشدار داده‌اند که این طرح حقوق زنان و مهاجران را تضعیف می‌کند. پروژه ۲۰۲۵ یک نقشه محافظه‌کارانه برای بازتعریف ساختار دولت فدرال، آموزش و فرهنگ در آمریکا و فدرال‌زدایی آموزش و تمرکز بر رویکرد ایالتی و منطقه‌ای است. اجرای آن می‌تواند تحولات عمیقی در نظام آموزشی، فناوری و سیاست‌های اجتماعی آمریکا ایجاد کند. ولی به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین ارکان این فرمان پیشگیری از نفوذ رویکردهای سوسیالیستی در نظام آموزشی و آموزش عالی آمریکا باشد و نقدهای فوق با وجود گروه‌های فشار دستاورد جدی در دنیای رقابتی برای این کشور ایجاد نکند.

درس‌هایی برای آینده

هر دو دوره پسا اسپوتنیک و پسا جیجیانگ بر اثر پیشرفت‌های فناوری و نیازهای اجتماعی شکل گرفته‌اند. درحالی‌که دوره پسا اسپوتنیک تحت تأثیر رقابت سخت و احساس اضطراب نسبت به پیشرفت‌های شوروی بود، دوره پسا جیجیانگ بیشتر روی همکاری، دسترسی و یادگیری شخصی متمرکز است و نشان‌دهنده دموکرات عمیق در نحوه آموزش و یادگیری در دنیای امروز می‌باشد. هر دو دوره پسا اسپوتنیک و پسا جیجیانگ نشان‌دهنده واکنش نظام‌های سیاسی به تغییرات ژئوپلیتیک از طریق تحول در آموزش و فناوری هستند.

دوره پسافرا اسپوتنیک نشان داد که آموزش می‌تواند به ابزاری برای تحقق اهداف ملی تبدیل شود، اما شعار و تمرکز صرف بر علوم سخت، خلأهایی در پرورش مهارت‌های خلاقانه ایجاد کرد. در مقابل، عصر پسا جیجیانگ با شعار «یادگیری مادام‌العمر برای همه»، مرزهای جغرافیایی و سنتی آموزش را درنور دیده است. با این حال، موفقیت این مدل جدید، وابسته به حل چالش‌هایی مانند شکاف دیجیتال و حفظ تعادل بین فناوری و تعاملات انسانی است. آینده آموزش در گرو تلفیق هوشمندانه دستاوردهای هر دو دوره است که به برخی از آن‌ها در ذیل اشاره می‌شود:

سرمایه‌گذاری در علوم پایه همراه با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین برای ایجاد نظامی فراگیر، منعطف و انسان‌محور و همچنین باظراحی و تلفیق برنامه‌های درسی با هوش مصنوعی و ادغام مهارت‌های آینده در درس پایه و شخصی‌سازی آموزش و تمرکز بر خلاقیت عملی در کنار تأکید بر ارزش‌های انسانی و الهی، آموزش‌های مهارتی و فنی-حرفه‌ای و های‌تک و مبتنی بر مهارت‌های آینده و توسعه الگوریتم‌های تشخیص بیماری با داده‌های بومی و اساساً بازآفرینی نظام آموزشی بسا تمرکز بر هوش مصنوعی و ورود مباحثی مانند تفکر الگوریتمی و اخلاق دیجیتال در مدارس و همکاری دانشگاه‌ها با شرکت‌های فاوور خصوصی، تمرکز بر فناوری‌های تحریم‌شکن، کاهش بروکراسی و ارائه تسهیلات مالی به شرکت‌های نوپا در حوزه فین‌تک، سلامت دیجیتال و کشاورزی هوشمند، تمرکز بر رشته‌های STEM و داده‌کاوی، استفاده از AI برای بهینه‌سازی مصرف آب، ساخت ابررایانه‌های ملی (مشابه ابررایانه Tianhe-۲ چین) برای پردازش مدل‌های بزرگ زبانی (LLM)، حمایت از استارت‌آپ‌های AI با گرنت‌های پژوهشی، شتاب‌دهنده‌های تخصصی AI، تمرکز روی برنامه «بازگشت مغزا» با تأکید بر آموزش «میهن‌پرستانه» و جذب استعدادها با ارائه ویزا، مسکن و حقوق معاف از مالیات، آموزش مفاهیم پایه برنامه‌نویسی (مثل Scratch یا Python) از پایه پنجم ابتدایی و جایگزینی بخشی از محفوظات با پروژه‌های عملی، تشکیل جامعه‌های یادگیری، تمرکز بر جغرافیای استعدادها به جای تمرکز صرف امکانات در شهرهای بزرگ. این وقایع موبد آن است که واکنش دفاعی به پیشرفت‌ها و یک شوک خارجی مؤثر نیست و برای پیشرفت باید استراتژی بلندمدت و برنامه‌ریزی شده با ترکیبی از دولت و بخش خصوصی را دارا بود و نیاز است سیستم‌های آموزشی از پیش دبستان تا دانشگاه برای پرورش نیروی کار متناسب با اقتصاد دیجیتال و نسل ششم صنعت و هوش مصنوعی بازتعریف شود.

۱- کتاب «آن سوسی اسپوتنیک» به‌عنوان یک منبع کلیدی سیاستگذاری علمی آمریکا را پس از این رویداد تحلیل می‌کند. این اثر نشان می‌دهد که چگونه دولت‌ها علم را به ابزاری برای «حکمرانی» تبدیل کردند.

آگهی مناقصه عمومی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد در نظر دارد خرید و اجرای سکونندی، کابینت و تجهیز آزمایشگاه‌های دانشکده پزشکی واقع در شهرک دانشگاهی خود را از طریق مناقصه عمومی به اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط واگذار نماید.

مقتاضیان می‌توانند حداکثر ظرف ۷ روز کاری پس از درج آگهی جهت دریافت اسناد مناقصه به آدرس: خرم‌آباد لرستان، کیلومتر ۵ جاده تهران، دانشگاه آزاد اسلامی خرم‌آباد- ساختمان اداری- بخش عمران مراجعه یا با شماره تلفن ۰۶۶۳۳۱۲۰۰۴ تماس حاصل نمایند.

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی خرم‌آباد

آگهی مناقصه

دانشگاه آزاد اسلامی واحد گنبدکاوس در نظر دارد هریک از موارد ذیل خود را به صورت جداگانه از طریق برگزاری مناقصه‌های عمومی به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید:

۱- واگذاری پیمانکاری تشریفات، امور آبدارخانه و پذیرایی واحد گنبدکاوس
۲- واگذاری راهبری، تعمیر و نگهداری تاسیسات و تجهیزات واحد گنبدکاوس

۳- واگذاری تأمین سرویس ایاب و ذهاب دانشجویان مرکز گالیکش
مقتاضیان می‌توانند جهت دریافت اسناد مناقصه به مدت ده روز کاری پس از تاریخ انتشار آگهی به آدرس: گنبد- بلوار شهید صیاد شیرازی- دبیرخانه دانشگاه و یا Gonbad.iau.ir مراجعه نمایند.

تلفن تماس: ۰۲۵-۳۳۳۸۹۱۰۲-۰۱۷ داخلی ۲۰۱

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گنبدکاوس

مجری انحصاری تبلیغات

دانشگاه آزاد اسلامی

کانون تبلیغاتی

سیهر جوان

۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹

فرهنگستان

دانشگاه



دوشنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۴



شماره ۳۳۸۰



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

۵